

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتادم

زمستان ۱۳۹۸

پرسش‌های چیستی در تاریخ و راه‌کارهای پاسخ به آن

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۴

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۲۱

۱ محمود مهمان نواز

۲ کشواد سیاهپور

۳ نعمت الله زکی پور

پرسش‌های چیستی یکی از پنج پرسش اصلی پژوهش‌های تاریخی با محوریت کشف چیستی رویدادهای تاریخی است. مفهوم پرسش‌های چیستی، پرسش‌های فرعی که در کنار پرسش چیستی قرار می‌گیرند و راه‌کارهای پاسخ به پرسش‌های چیستی در شمار مهم‌ترین محورهای شایسته درنگ در این زمینه هستند.

این مقاله می‌کوشد با روش تاریخی - تحلیلی و به استناد اطلاعات گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای به این مسائل پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در پاسخ به پرسش‌های چیستی، مورخ باید چرخش‌های زبانی

۱. دکتری تاریخ، گرایش ایران دوره اسلامی، استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه یاسوج: (mahmoud.mehmannavaz@yahoo.com).

۲. دکتری تاریخ، گرایش اسلام، استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه یاسوج: (ksiahpour@yahoo.com).

۳. دکتری تاریخ، گرایش ایران دوره اسلامی، استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه یاسوج: (nematzakipoor@yahoo.com).

و تحولات معانی را در نظر بگیرد و استفاده از منابع معتبر و به کارگیری دانش هرمنوتیک را به عنوان ابزارهایی مهم در نظر داشته باشد.

کلیدواژگان: پرسش از چپستی، چرخش زبانی، معنا، هرمنوتیک.

۱. مقدمه

محقق تاریخ در هنگام تحقیق و پژوهش با پرسش‌هایی مانند کی؟ کی؟ کجا؟ چرا؟ و چی؟ روبه‌رو می‌شود که پاسخ‌گویی به آنها از وظایف او است. پرسش آخر مربوط به چپستی رخدادهای تاریخی است. مورخ در هنگام تحقیق، نباید از چپستی وقایع غافل شود. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که پرسش‌های چپستی در تاریخ، شامل چه نوع پرسش‌هایی هستند؟ و چگونه می‌توان به آنها پاسخ داد؟

پرسش‌های چپستی با چپستی موضوعات، حوادث و متون تاریخی سروکار دارند و در پی آن هستند که زوایای پنهان متن و حوادث تاریخی را مشخص کنند، اما برای مشخص نمودن زوایای پنهان، باید از چه راه‌کارهایی استفاده نمود؟ چگونه می‌توان مشخص کرد، چه اتفاقی افتاده است؟ چگونه می‌توان عقیده نویسنده متن تاریخی را فهمید؟ چگونه می‌توان حقیقت را از دروغ تشخیص داد؟ و در نهایت، چگونه می‌توان با وجود فاصله زمانی میان متن تاریخی با محقق تاریخ، معانی واژگان و پیام‌های متن را فهمید؟

این پرسش‌ها در قالب پرسش‌های چپستی تاریخ می‌گنجد. مورخ در طول تحقیق باید پاسخ‌گوی این مطالب باشد. استفاده از منابع اصلی و معتبر، توجه به تغییرات معانی واژگان در طول زمان، رعایت روش‌های صحیح پژوهش و استفاده از دانش هرمنوتیک^۱ جهت

۱. تفسیر و تأویل متن.

درک معانی متون و عقیده نویسنده، راه کارهایی در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های چیستی هستند.

به این گروه از پرسش‌ها در کتاب‌های روش تحقیق در تاریخ در یک سر فصل با نام پرسش‌های چیستی، کمتر پرداخته شده است. در کتاب‌های روش تحقیق در تاریخ که مورد بررسی قرار گرفتند، متأسفانه محققان به موضوع حاضر در امر روش تحقیق در تاریخ و فلسفه تاریخ یا توجهی نداشتند و یا آن‌که به صورت پراکنده و مختصر به آن پرداخته بودند.

شاید پرداختن به پرسش‌های زمانی و مکانی که موضوع‌هایی مشخص‌تر و ساده‌تر نسبت به پرسش‌های چیستی هستند، سبب شده است محققان این حوزه، کمتر به سراغ پرسش‌های چیستی بروند. این مسئله تا حدودی مشهود است و در کتاب‌های روش تحقیق در تاریخ و فلسفه تاریخ می‌توان صفحات زیادی را درباره این سه موضوع پیدا نمود. این امر سبب شده است پرسش‌های چیستی کمتر نظر محققان را جلب کنند و محققان بیشتر به موضوعاتی که اشاره شد، بپردازند.

در حوزه حقیقت در تاریخ که یکی از محورهای این تحقیق است. تحقیقی با عنوان حقیقت در تاریخ نوشته ویلیام دایننگ ترجمه عزت الله فولادوند (۱۳۸۱) در مجله بخارا به چاپ رسیده است. این پژوهش، بیشتر از آن‌که به حقیقت در تاریخ از دیدگاه نظری و فلسفی بپردازد به مصادیق آن در تاریخ اروپا توجه دارد. همچنین، زرین کوب در تاریخ در ترازو به موضوع حقیقت در تاریخ اشاره می‌کند.

۲. پرسش‌های چیستی

انسان همواره در طول حیات خود با پرسش‌های چیستی زیادی، مانند چیستی حیات، چیستی دنیای موجود، چیستی رفتار و حرکات انسان‌ها و موجودات اطراف خود روبه‌رو است. انسان در طول زندگی خود ممکن است به پاسخ تعدادی از این پرسش‌ها برسد و به پاسخ تعدادی از آنها نرسد. انسان‌ها برای یافتن جواب‌های این پرسش‌ها در طول حیات

خود به جست‌وجو پرداخته‌اند و میزان موفقیت آنها بیشتر بستگی به نوع و شیوه تلاش آنها داشته است.

مورخان به عنوان بخشی از جامعه بشری در طول فعالیت‌های خویش با پرسش‌های چپستی زیادی روبه‌رو هستند. در واقع، کار مورخ فقط ثبت رویدادها نیست و تحلیل، کشف علل، چپستی، چگونگی و تعمیم نتایج آنها از وظایف مورخ است. تاریخ را چپستان بزرگی می‌خوانند که بسیاری از کلیدهایش در دست نیست.^۱ بنابراین، زمانی به فهم حوادث تاریخی می‌توان دست یافت که پرسش‌هایی که افعال تاریخی اشخاص گذشته با آن درگیر بودند، بازسازی شوند.

مورخان رسالت خود را کشف حوادث و رخداد‌های گذشته می‌دانند، نه خلق آنها.^۲ آنها برای کشف حوادث باید تلاش گسترده‌ای نمایند که در این راه، پرسش‌هایی مانند آیا مورخان باید در مورد چپستی رویدادهای گذشته به باورهای خود متوسل شوند؟ آیا با این کار، تصویر مخدوشی از گذشته ترسیم نخواهند کرد؟ پیش می‌آید.

در بعد نظری، همه وقایع تاریخی قابل درک هستند، اما همه آنها شناخته نشده‌اند. همین که وقایع و اتفاقات پیچیده یا شخصی مطرح می‌گردد، مسئله مشاهده‌گر که همان مورخ است به میان می‌آید.^۳ مورخ در طول تحقیق با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شود که باید توانایی آن را داشته باشد، آنها را هدایت کند و پاسخ‌گوی پرسش‌های ذهنی خود و پرسش‌های احتمالی خواننده باشد.

در حقیقت، یکی از عواملی که سبب اعتبار مورخان می‌گردد، خلق و ارائه تبیین‌هایی علمی و قانع‌کننده است. برخی از این تبیین‌ها، علی‌به‌شمار می‌روند. این تبیین‌ها در تلاش هستند به پرسش‌های چرایی، چپستی و چگونگی پاسخ دهند. آگاهی مورخان از

۱. کار، تاریخ چپست، ص ۱۷.

۲. نودری، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخنگاری، ص ۱۷۸.

۳. التون، شیوه تاریخنگاری، ص ۵۷.

چیستی علل و شرایط در تاریخ به آنها کمک می‌کند که بدانند آیا علل و شرایط را به درستی شناسایی کرده‌اند یا نه؟^۱

پرسش‌های چیستی، ریشه در عنوان بنیادینی به نام فهم تاریخی دارند.^۲ مهم‌ترین سؤالی که به عنوان پرسش چیستی مطرح می‌شود، این است که در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ دست یافتن به پاسخ این پرسش، نیازمند یک‌سری ابزار است که مهم‌ترین آنها، استفاده از منابع اصلی و معتبر و یافتن حقیقت است. پژوهش حاضر، پرسش در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ را به عنوان پرسش اصلی از پرسش‌های چیستی می‌پذیرد و برای یافتن پاسخ آن تلاش می‌کند.

پرسش‌های چیستی به مورخ کمک می‌کنند ماهیت اصلی و حقیقت رخداد‌های تاریخی را کشف کند. در ادامه، برای آگاهی بیشتر در مورد پرسش‌های چیستی، سه عنوان در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟، علم تفسیر تأویل متن (هرمنوتیک) و پرسش‌های چیستی و معنای متن بررسی می‌گردند. سه مسئله‌ای که مورخ در هنگام تحقیق و پژوهش با آنها روبه‌رو خواهد شد و این سه مسئله، هر کدام با پرسش‌های چیستی، ارتباط مستقیم و مستمر دارند و مورخ نمی‌تواند در تحقیق خود از آنها اجتناب کند.

۳. در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟

این پرسشی است که مورخ در طول تحقیق با آن روبه‌رو است. مهم‌ترین پرسش در پرسش‌های چیستی، این پرسش است که مورخ باید در پی پاسخ آن باشد. مهم‌ترین پرسشی که همه ما درباره گذشته داریم، این است که در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟^۳

۱. مکالا، بنیادهای علم تاریخ، ص ۲۴۹.

۲. نورائی، راهنمای نگارش در تاریخ دستنامه‌ی تحقیق برای دانشجویان، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۴۲.

زمانی که رانکه^۱ (د. ۱۸۸۶م) تأکید کرد که کار مورخ، آن است که به سادگی نشان دهد در واقعیت چه اتفاقی افتاده است، این سخن او موفقیت حیرت آوری یافت.^۲

مورخ جهت فهم این پرسش، نباید چشم و گوش بسته به سراغ حوادث برود و باید با استفاده از شواهد و داده‌های تاریخی و خلاقیت خود به کشف حقیقت رویدادهای گذشته بپردازد. رویدادهای تاریخ باید آن گونه که در واقعیت بوده‌اند شناخته شوند و جای خود را بیابند.^۳

هفت ویژگی هوش، معرفت عام تاریخی، مهارت‌های تخصصی تاریخی، دسترسی به منابع، اختصاص میزان زیاد زمان، انرژی و پول برای فهمیدن واقعیت لازم هستند. این عوامل بشر را به آنچه که مورخان می‌گویند، وابسته نگه می‌دارد.^۴ هر کدام از این ویژگی‌ها، جای بحث فراوانی دارند و به نوعی برای یک محقق لازم و ضروری هستند.

برای پاسخ به پرسش در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ باید به یک‌سری از موارد توجه کرد و از ابزارهایی جهت پاسخ‌گویی به این پرسش بهره گرفت که مهم‌ترین این ابزارها، منابع معتبر و کشف حقیقت هستند.

۱-۳. منابع معتبر

مورخ برای آن که به پاسخ پرسش در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ و همچنین، دیگر پرسش‌های چپستی دست یابد، باید از منابع، اسناد و مدارک معتبر استفاده نماید. شناخت منابع، اطلاعات تاریخی را تغییر خواهد داد و افزایش اطلاعات ممکن است باورها درباره وقایع را تغییر دهد؛ زیرا وقایع در خلأ پدید نمی‌آیند.^۵ اگر بدون اطلاع و چشم بسته به

1. Ranke.

۲. کار، تاریخ چپست، ص ۱۰.

۳. بنیامین، عروسک و کوتوله، ص ۱۹.

۴. استفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۱۹۶.

۵. التون، شیوه تاریخنگاری، ص ۵۸.

سراغ واقعه رفت، نمی‌توان تحلیل و تفسیری معتبر و قابل استناد از آن ارائه نمود. به همین جهت مورخ برای اعتبار یافتن نوشته‌های خود و به‌دست آوردن اعتماد خواننده باید از منابع اولیه استفاده نماید.

در واقع، برای آن‌که مورخ بتواند رویدادهای گذشته را به شکلی که در واقعیت اتفاق افتاده است، بازسازی نماید به مواد و مصالح نیازمند است. این مواد و مصالح اسنادی هستند که از طریق آنها می‌توان در زمان حال به بخش‌ها و گوشه‌هایی از گذشته دست یافت.^۱ اگر مورخ بدون آگاهی و استفاده از منابع، قصد نگارش متنی را داشته باشد، گرفتار اشتباه خواهد شد و نمی‌تواند به معرفت تاریخی دست یابد. چنان‌که استنفورد^۲ معرفت تاریخی را آنچه در واقعیت اتفاق افتاده است،^۳ تعریف می‌کند.

در زمینه منابع و مدارک مستند، محقق باید به این نکته توجه کند که ممکن است در طول تحقیق با منبع و سندی روبه‌رو شود که تا آن زمان کشف نشده است و محقق دیگری از آن استفاده نکرده است و او قصد دارد این سند را برای اولین بار آشکار سازد. در این حالت، مورخ باید دقت کند که به گونه‌ای حرف نزنند که مطلبی که او آورده است حکم قطعی دارد؛ زیرا ممکن است در آینده، سند دیگری شناخته شود که آن سندی را که او بر روی آن تأکید می‌کرده است از اعتبار ساقط کند.

۲-۳. کشف حقیقت

یکی از اهداف پرسش‌های چیستی و دست‌یابی پاسخ به پرسش در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ کشف حقیقت است. راز و رمز پویایی علم تاریخ در تفاسیر متکثر و متنوع از حقایق تاریخی هر عصر است. از این بعد، جایگاه محققان تاریخ در هر عصر، امری شناخته شده است و در جریان تحقیق واقعی تعیین کننده است.

۱. ساماران، روشهای پژوهش در تاریخ، ج ۴، ص ۳۴۲.

2. Stanford.

۳. استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۲۰۳، ۲۰۴.

نقد داده‌های تاریخی و بررسی چپستی آنها یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهش برای پژوهش‌گر تاریخ به حساب می‌آید. روحیه نقادانه یک مورخ به او کمک می‌کند، واقعیات و حقایق را تشخیص دهد. این رسالت تاریخ است؛ زیرا مطالعه تاریخ مساوی است با تلاش و کوشش در جهت جست‌وجوی حقیقت و اگر حقیقت را از تاریخ بگیرند، جز قصه‌ای بی‌فایده از آن، باقی نخواهد ماند.^۱

حقیقت به کسی وابسته است که توانایی ساخت امر درست را دارد.^۲ انسان‌ها همواره در پی یافتن حقیقت و واقعیت هستند، اما همیشه در این راه، مشکلاتی وجود دارد که سبب می‌شود حقایق کشف نشده باقی بمانند و در صورت عدم توجه و حل این مشکلات، دست‌یابی به حقیقت امری دشوار خواهد بود.

خطاها همیشه در همسایگی حقیقت زندگی می‌کنند. به همین سبب ممکن است، محقق در امر تحقیق فریب بخورد و به خطا برود. در جست‌وجوی حقیقت باید آرام قدم زد. خیال‌پردازی و تندروی سبب خواهد شد که جوینده از کنار حقیقت بگذرد و آن را نشناسد.^۳

گاه، خطا در کشف حقیقت به دلیل محدودیت عقلی انسان^۴ است که در واقع، محدودیت قوه تجزیه و تحلیل مسائل است. این نوع خطاها، عمدی نیستند. گاهی خطا در کشف حقیقت به دلایل غیرعمدی است که این امر می‌تواند به دلیل تعصب بی‌جا و یا قضاوت عجولانه باشد. این عجله در حکم، وقتی با غرض‌ورزی یا غرور همراه باشد، حتی مورخی را که با بهترین مدارک و اسناد کار می‌کند به خطا می‌کشاند.^۵

۱. زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۳۹.

۲. جنکینز، بازانديشی تاریخ، ص ۶۳.

۳. زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۳۰.

۵. همان، ص ۱۳۱.

یکی دیگر از مشکلات مورخ برای دستیابی به حقیقت، گرفتار شدن در ظاهر قضایا و رخدادها و عدم آگاهی از قصد اصلی نویسنده است. مورخ ممکن است به ظاهر رویدادها و نوشته‌های تاریخی اکتفا کند و این امر ممکن است تصویری مخدوش و یا برداشتی ناصحیح ایجاد کند و مورخ بیشتر از حقیقت فاصله بگیرد. به عنوان نمونه، بیشتر مورخان به دلیل محافظه کاری و ترس از پادشاهان ممکن است حقیقت ماجرا را در پوشش ظاهری بیان کنند.

برای مثال، زمانی که جوینی (د. ۵۶۸۱ق) درباره فتوحات مغولان (۶۱۶-۵۶۵۶ق) در شرق ایران می‌نویسد، برای خوشایند حاکمان مغول، کشتارهای بی‌رحمانه آنان را با واژه‌ها و جملاتی که نشانه قدرت و عظمت مغولان است، توصیف می‌کند، اما او به نوعی قصد دارد بی‌رحمی، شقاوت و میزان فجایعی را که مغولان آفریدند در پوشش بیان نماید.^۱ اشتباه گرفتن و در هم آمیختن حقیقت و واقعیت، یکی دیگر از خطاهایی است که مورخان در مسیر دستیابی به حقیقت با آن روبه‌رو هستند. در واقع، مورخ باید تفاوت میان حقیقت و واقعیت را درک کند تا در مسیر کشف حقیقت، گرفتار خطا نشود. عدم شناخت منابع اصلی، نداشتن آگاهی کافی از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره مورد پژوهش، عدم دسترسی به منابع اصلی به دلایل مختلف، گرفتار شدن مورخ در دام حب و بغض، اسطوره سازی، کوچک کردن مسائل مهم و شواهد نامعتبر از دیگر مشکلات و موانع در راه کشف حقیقت هستند که می‌توانند مورخ را گرفتار اشتباه و خطا نمایند.

باید توجه کرد که اشتباهات مورخ در ابتدا ممکن است کوچک و ناچیز باشند اما تکرار آنها موجب می‌شود به مهمانی همیشگی برای مورخ تبدیل شوند. در نهایت، همان

۱. برای نمونه ر.ک: جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۷۶، ۱۱۳، ۱۱۷؛ برای اطلاع بیشتر، ر.ک: طهماسبی و تلاوی، بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات تاریخ جهانگشای جوینی، ص ۵۵-۷۲.

اشتباهات کوچک و ناچیز به صاحب خانه تبدیل می‌شوند و آن‌گاه است که انحرافات تاریخی به وجود می‌آیند. یک حادثه مهم تاریخی ممکن است بر اثر اشتباهات مکرر مورخ از سوی او به طور کامل رد گردد و مورخ منکر وجود آن رخداد حقیقی شود.

از طرفی دیگر، به طور کامل نمی‌توان به تمامی حقیقت رسید. بلکه تنها می‌توان بخش‌هایی از حقیقت را به دست آورد؛ زیرا تاریخ، علمی تجربی، عینی و قابل مشاهده نیست. استنفورد در این زمینه، نگاهی بدبینانه دارد و امکان دسترسی به حقیقت را ناممکن می‌داند. از دیدگاه او، مورخ خوب بیشتر از آن که تلاش کند عین حقیقت را بیان کند به اثبات حدودی می‌پردازد که حقیقت را در بر می‌گیرند.^۱

کمتز محقق به اندازه مورخ برای دستیابی به حقیقت، منابع محدودی در اختیار دارد. مورخ متعهد و حرفه‌ای، تنها مواردی را می‌تواند به عنوان حقیقت در تاریخ طرح کند که شواهد و دلایل معتبری برای درست دانستن آنها وجود داشته باشد. البته، این مستندات و شواهد باید بر عقل و منطق استوار باشند. هر مورخ فعال باید داده‌های خود را تا حد امکان به صورت عقلانی بررسی کند.^۲

بنابراین شواهد، مستندات و مدارکی که بر اساس عقل و منطق سنجیده شده‌اند و با امور عقلی در تضاد نیستند، از موارد یاری‌گر مورخ در کشف حقیقت هستند. زرین کوب، تکیه بر اسناد و سعی در بررسی دقیق آنها^۳ را راه دستیابی به حقیقت می‌داند. واقعیات تاریخی به صورت مدارک و کتیبه‌ها مانند ماهی‌ای هستند که مورخ، آن را به خانه می‌برد و هر گونه بخواهد طبخ می‌کند و هر گونه دوست داشته باشد، سر سفره حاضر می‌نماید.^۴

۱. استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ص ۲۰۶.

۲. مکالا، بنیادهای علم تاریخ ص ۳۸.

۳. زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۲۷.

۴. اکار، تاریخ چپست، ص ۱۱.

دست‌یابی به حقایق سخت است، اما قسمت‌هایی از گذشته را با استفاده از منابع می‌توان بازسازی نمود. در این راه، مورخ باید حاضر باشد که در صورت لزوم، حتی در مطمئن‌ترین عقیده خود شک کند. مورخان برخی از اوقات، وسوسه می‌شوند که پاره‌ای از گزارش‌های گذشته را به صورتی بخوانند که گویی درست هستند و به خود، زحمت حقیقت‌یابی را ندهند، اما باید توجه داشت که هر متنی، ساخته دست انسانها است. این خود، دلیلی بر آن است که خطا می‌تواند به این متون راه یافته باشد.

یک‌سری حقیقت‌های تاریخی هستند که مورخان نباید در مورد آنها اشتباه کنند. برای مثال، سال سقوط اصفهان به وسیله محمود افغان (د. ۱۱۳۷ ق)، ۱۱۳۵ ق بوده است، نه ۱۱۳۴ ق و یا ۱۱۳۷ ق. این که مورخ نباید در این امر بدیهی اشتباه کند، وظیفه مورخ است نه فضیلت برای او.

برخی از رویدادها به موازات وقوع حوادث ثبت شده‌اند. مورخانی مانند جوبنی، رشیدالدین فضل‌الله (د. ۷۱۷ ه. ق) و اسکندر بیک ترکمان (د. ۵۱۰۴۳ ه. ق) کسانی هستند که وقایع را به موازات وقوع و شاید کمی بعدتر ثبت کرده‌اند. نوشته‌های این اشخاص را می‌توان به عنوان حقایق سخت غیرقابل انکار پذیرفت که تاریخ‌نویس در پیرامون آن، بقیه شروح و تفصیل خود را می‌سازد.

واقعیت تاریخی به این ترتیب بستگی دارد به این که ما پاره‌ای از مراجع اولیه یا حداقل پاره‌ای از این مراجع را که مطالبشان موثق شناخته می‌شوند، قبول داشته باشیم.^۱ با این حال، باید توجه داشت، نوشته‌های آنها همه حقیقت نیست. بر اساس دلایل مختلف، بخشی از آن مطالب به دور از حقیقت هستند و مورخ باید با کنکاش فراوان، حقایق را کشف کند و سره را از ناسره تشخیص دهد. در واقع، مورخ را بدون کشف حقایق نمی‌توان محقق و مورخ نامید. البته، حقایق تاریخی اگر مورخ به سمت آنها نرود، بی‌معنا هستند.

۱. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۹۲.

اگر امروزه، آگاهی از حقیقت گذشته ناقص است دلیل آن، نقص اطلاعات به سبب عدم دسترسی به همه منابع و مدارک لازم و رعایت نکردن دقیق روش پژوهش تاریخی است، نه آن که امکان چنین شناختی وجود ندارد. حقیقت و خطا برای مورخ، وقتی می‌تواند از هم جدا شود که او به کمک اسناد و مدارک با آن قسمت از واقعیت جاری، مستمر و انقطاع ناپذیر که گذشته نام دارد، پیوند خودآگاهانه یافته باشد.^۱

مورخ حتی اگر دارای معلومات زیادی باشد، برای یافتن چپستی وقایع، نیازمند آن است که نه تنها در کتابخانه‌ها رفت و آمد نماید، بلکه باید در سطح اجتماع در میان مردم عادی رفت و آمد داشته باشد تا بتواند احساسات مردم را در شرایط متفاوت تشخیص دهد. در واقع، هر تاری از وجود او که در تماس با تجربه‌ها و رویدادهای زندگی واقعی به ارتعاش در آمده است، قادر خواهد بود بار دیگر در هنگام مطالعه گذشته، ضمن تماس با تجربه‌های همانند یا دست کم مشابه به تپش درآید.^۲

به هر حال، مورخ برای یافتن پاسخ چپستی وقایع و رخدادهای گذشته باید به دنبال حقیقت در تاریخ باشد. بدون کشف حقیقت نمی‌توان، پاسخ پرسش‌های چپستی را به دست آورد. حقیقت است در تاریخ که حدود را تعیین می‌کند. با استفاده از آنچه که شواهد بازگو می‌کنند و ارتباط این شواهد با یکدیگر می‌توان به حقیقت در تاریخ رسید. البته، نه تمام حقیقت. بلکه، بخشی از آن را می‌توان دانست.

بنابراین در مسیر پاسخ به پرسش در واقعیت چه اتفاقی افتاده است؟ و پرسش‌هایی که درباره ماهیت و چپستی حقیقی رخدادهای تاریخی هستند، افزون بر مواردی که بیان گردید، مهم‌ترین ابزارهای مورخ عبارت‌اند از: آگاهی از شرایط و زمانه رخدادهای تاریخی، منابع و نویسندگان منابع، پیروی کردن از اصول صحیح روش تحقیق، پرهیز از تعصب و

۱. زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۲۷.

۲. ساماران، روشهای پژوهش در تاریخ، ج ۴، ص ۳۳۴.

پیش‌داوری، استمرار و مداومت در امر پژوهش، دل‌سرد نشدن از کشف دیر هنگام حقایق، شوق و اشتیاق جهت کشف حقیقت، عدم گرفتار شدن مورخ در خوانش‌های رایج متون و رویدادها به این معنا که مورخ نباید به دلیل آن که یک نقل عمومی و رایج، درباره رخدادی وجود دارد، آن را بپذیرد.

۴. پرسش‌های چیستی و هرمنوتیک^۱

منظور نویسنده از مطلبی که آورده است، چیست؟ آیا هر آنچه که از ظاهر متن استنباط می‌شود، مراد و مقصود نهایی نویسنده بوده است؟ این پرسش‌ها از پرسش‌های چیستی هستند که مورخ با استفاده از دانش هرمنوتیک می‌تواند به آنها پاسخ دهد. دانش هرمنوتیک یا تفسیر و تأویل متن از روش‌هایی است که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های چیستی، مددکار مورخان است.

در هنگام خواندن یک متن تاریخی، پرسشی که به ذهن خطور می‌کند، این است که این جمله یعنی چه؟ منظور چیست؟ بنابراین، باید سعی کرد عقیده نویسنده را از میان واژه‌های متن پیدا کرد.^۲ مورخ نیازمند حقیقت است و برای آن، شاید اول باید با معنا روبه‌رو شود. حقیقت و معنا به یک اندازه اهمیت دارند^۳ و مورخ برای یافتن حقیقت و دریافت معنا، نیازمند دانش تأویل متن است.

1. Hermeneutics

هرمنوتیک واژه‌ای یونانی به معنای هنر تفسیر یا تفسیر متن است. گویند، ریشه این واژه به هرمس (Hermes) خدای باستانی یونانیان باز می‌گردد (احمدی، ساختار و هرمنوتیک، ص ۶۵)؛ هرمنوتیک به عنوان شاخه‌ای از دانش در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی رواج یافت. دانشی که ابتدا بیشتر برای تفسیر متون دینی از آن استفاده می‌شد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، هرمنوتیک از صورت مجموعه‌ای از حکمت‌ها و قواعد پسینی خارج گردید و به شکل یک علم با قوانین خاص خویش ظاهر گردید (بلایش، گزیده هرمنوتیک معاصر، ص ۷).

۲. نورائی، راهنمای نگارش در تاریخ دستنامه‌ی تحقیق برای دانشجویان، ص ۴۷.

۳. استفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۳۰۷.

در حقیقت، نکته محوری در کلیه رشته‌های علوم انسانی، شامل ادبیات، جامعه‌شناسی و به ویژه تاریخ دریافت معنا است؛ زیرا معنا امری است که ذهن، زبان و جامعه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و آنها را به هم پیوند می‌دهد.^۱ در هنگام بررسی یک منبع باید به معنا شناسی، تفسیر و تأویل متن دقت کرد تا بتوان استدلال‌های درونی و معنایی یک متن تاریخی را شناخت و معنا نمود.

هرمنوتیک دانش کشف حقیقت و واقعیت، فهمیدن، شرایط به وجود آمدن فهمیدن و درک کردن متن است. هرمنوتیک دانشی کمکی برای تاریخ محسوب می‌شود که برای رفع ابهام و پیچیدگی متن به کار می‌رود. این علم همواره با تأویل و تفسیر متن سر و کار دارد و به این مسئله، اهتمام خاصی دارد و در پی پاسخ‌گویی به پرسشی، چون ماهیت و چپستی یک متن چیست؟ است.

تأویل به معنای کوشش جهت کشف معناهای پنهان متن و تلاش برای ساختن معناهای تازه برای واژگان متن است. هم‌چنین، تفسیر به معنای کشف قاعده‌های زبانی، دستوری و بیانی جملات و به عبارت دیگر، کشف رمزهای متن است.^۲ فاصله زمانی میان مورخ با زمان متن تاریخی، مانع از امکان دست‌یابی مورخ به مقصود متن تاریخی نیست؛ زیرا تغییرات و تحولات زبانی در گذر زمان به گونه‌ای نیستند که فهم متن را با مشکل روبه‌رو کند.

تلاش مورخ باید برای درک پیام متن باشد. عده‌ای از مورخان به دلیل آن که به جهت ترس از شاهان نمی‌توانستند واقعیات روزگار خود را به طور عینی بیان نمایند، پیام خویش را در پوشش به خوانندگان منتقل می‌کردند. این وظیفه مورخ است که با استفاده از دانش تأویل و تفسیر متن، پیام نویسنده را به خوانندگان امروزی منتقل کند. هم‌چنین، مورخی

۱. نوذری، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخنگاری، ص ۹۵.

۲. احمدی، ساختار و هرمنوتیک، ص ۶۵-۶۶.

که قصد کالبد شکافی متون اصلی تاریخی را دارد، باید با استفاده از این شیوه به معنای مطالب تاریخی و پیام‌های ناآشکار متن تاریخی دست یابد.

معانی پنهان در متون تاریخی، فراوان دیده می‌شوند. هرمنوتیک می‌تواند ما را از پیش‌داوری‌های محدود و تنگ‌نظرانه که در قضاوت مؤثر است رهایی بخشد؛ زیرا این قضاوت را آشکار می‌کند که هر ساختار نمادین متن، نهاد یا عمل اجتماعی یا اقتصادی یا روایت تاریخی، معنای واحدی ندارد. بلکه در بر گیرنده نماد زیادی از معناها می‌تواند باشد. به بیان دیگر، هر ساختاری دارای معنای معین و قطعی نیست و ممکن است به تعداد موارد درک و تفسیر، معنا داشته باشد.^۱

یکی از اهداف پرسش‌های چپستی، یافتن نیت نویسنده و متن تاریخی است. با استفاده از هرمنوتیک که دانش تفسیر و تأویل متن است، می‌توان به پاسخ این دسته از پرسش‌های چپستی دست یافت. در واقع، پرسش‌های چپستی در پی کشف این حقیقت هستند که در رویداد تاریخی چه اتفاقی افتاده است؟ ماهیت اصلی رویداد چه چیزی است؟ مراد واقعی متون تاریخی درباره رویداد مورد تحقیق چیست؟

هرمنوتیک به عنوان دانشی تفسیری می‌تواند، یاری‌رسان محقق باشد تا بتواند تفسیری مطلوب از متن و تاریخی داشته باشد. به هر روی در مبحث هرمنوتیک، دو نکته لازم به توضیح است. اول آن که هرمنوتیک به تنهایی نمی‌تواند تفسیر درست و رأی اصلی نویسنده متن را به مورخ ارائه دهد. دوم آن که همه متون تاریخی، نیازمند فهم معنا و تفسیر نیستند؛ زیرا برخی متون ساده و قابل فهم هستند و بدون پوشش و کنایه نوشته شده‌اند و این کار را برای محقق تاریخ، آسان نموده است.

۱. استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ص ۳۱۹.

۵. پرسش‌های چستی و معنای متن

یکی از پرسش‌های مطرح در پرسش‌های چستی آن است که معنای متن تاریخی چیست؟ آیا همان چیزی که نوشته شده است و معنای ظاهری که متن دارد، معنای حقیقی و واقعی متن تاریخی است؟ مورخ در هنگام مطالعه متون تاریخی باید به برخی نکات توجه داشته باشد.

در مبحث پرسش‌های چستی برای پی بردن به اصل و ماهیت چستی یک رویداد ممکن است به دلیل تغییر معانی واژگان در طول تاریخ، مورخ گرفتار اشتباه شود و به چستی و ماهیت رخداد تاریخی پی نبرد و یا آن که نتیجه‌ای اشتباه بگیرد. این امر یکی از خطراتی است که محقق تاریخ را تهدید می‌کند.

زبان امری متحول است که معانی و مفاهیم آن با گذشت زمان تغییر می‌کند به همین جهت، محقق هوشیار باید بداند که واژه‌ها در طول زمان ممکن است معانی متفاوتی بدهند. برای نمونه در کتاب‌های تاریخی دوره مشروطیت، واژه ملی و ملیون بارها دیده می‌شود، اما این واژه به هیچ عنوان به معنای ناسیونال و ناسیونالیست نیست. بلکه در آن دوره، این واژه به معنای حکومت مشروطه و طرفداران مشروطیت بود.^۱ اگر مورخ به این امر پی نبرده باشد و در پی یافتن چستی و ماهیت ناسیونالیسم در ایران باشد، گرفتار اشتباه می‌شود و نتیجه تحقیق نادرست خواهد بود.

هم‌چنین، یک واژه می‌تواند برحسب مناطق جغرافیایی حتی در یک زمان، دارای معنای متفاوت باشد. به عنوان نمونه، در دوره صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق) کلمه میرزا در مناطق غرب ایران به معنای شاهزاده و مقامی پایین‌تر از شاه بود. حال آن‌که در شرق

۱. ملانی توانی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، ص ۱۴۵.

ایران، میرزا معنای شاه را می‌داد و برای شاهان از واژه میرزا استفاده می‌شد.^۱ محقق تاریخ باید از این ظرافت‌های تاریخی آگهی داشته باشد تا بتواند تحقیقی مستند ارائه کند. هم‌چنین، زبان و ادبیات هر دوره، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره را نشان می‌دهد. چنان‌که اگر زبان و ادبیات غنی باشد، شاید این مسئله به دلیل اوضاع سیاسی خوب آن دوره است و عکس این مطلب هم می‌تواند صادق باشد. به عنوان نمونه، کتابی مانند رستم/تواریخ اثر محمد هاشم آصف که پر از واژگان عامیانه و پرده‌دری‌هایی است که کمتر در تواریخ مشاهده می‌شود. شاید به دلیل اوضاع نابسامان سیاسی ایران پس از سقوط صفویان تا روی کار آمدن قاجارها (۱۲۱۰-۱۳۴۴ه.ق) نوشته شده است.

بر این اساس می‌توان گفت که به وسیله ادبیات یک دوره می‌توان چپستی اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن دوره را تشخیص داد. نکته دیگر درباره واژگان، اصطلاحات و ادبیات متون تاریخی است که کاربرد صحیح آنها در پاره‌ای از موضوعات و وقایع حال، متضمن ارجاع به پاره‌ای از موضوعات یا وقایع گذشته است.^۲ بدین معنا که یک واژه ممکن است در زمان کنونی، موضوعیت نداشته باشد و آن کلمه ممکن است در این زمان، معنای خود را از دست داده باشد و برای درک آن باید به وقایع و حوادث گذشته مراجعه نمود. معنای واقعی یک ل واژه در متن زمانی و مکانی خود آشکار می‌گردد، نه به صورت مجزا و منفرد.^۳

محقق در هنگام تحقیق باید تا حد امکان از شرایط گفتمانی زمان حال و بستر اندیشه‌ای خود خارج شود و بیشتر بکوشد که جوانب مختلف موضوع را در زمان تحقیق؛ یعنی زمان رخداد وقایع بسنجد و بشناسد. برای این امر، محقق باید در منابع، چنان مطالعه

۱. نوایی و غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، ص ۶۸.

۲. نوذری، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ص ۱۷۷.

۳. نورائی، راهنمای نگارش در تاریخ دستنامه‌ی تحقیق برای دانشجویان، ص ۴۸.

و کنکاش کند که گویی در آن دوره زندگی کرده است و شرایط تاریخی را با کمک داده‌های حاصل از منابع تاریخی احیا کند.

هم‌چنین، مورخ برای بررسی یک واژه باید تمام متن و حواشی آن را مطالعه نماید تا به اصل ماجرا پی ببرد. بدون اطلاع از چرخش‌های زبانی و تحولات معانی در طول دوره‌های تاریخی، مورخ قادر به تشخیص چپستی حقیقی رخدادها نخواهد بود.

۶. نتیجه

پرسش‌های چپستی در پی آن هستند که مورخ، ناگفته‌ها و زوایای پنهان مطالب را پیدا کند. البته، یک مورخ نیاز نیست، هنگامی که به موضوعی می‌پردازد، بر این باور باشد که او می‌خواهد تمام حقایق و ناگفته‌های آن موضوع را پیدا کند. حتی اگر چنین باوری هم داشته باشد، این امر میسر نخواهد بود. همیشه مطالبی برای نوشتن هستند که از چشم مورخ پنهان خواهند ماند.

پژوهش خوب آن است که راه را برای پژوهش‌های آینده باز کند. پرسش‌های چپستی در پی این هدف هستند که مورخ با کنکاش و تلاش، حقیقت‌های ناگفته و معانی ناآشکار در تاریخ و واقعیت رخدادها را بازگو نماید. در این راه، ممکن است، تمام حقایق آشکار نشوند، اما مشخص شدن قسمتی از حقایق هم می‌تواند مفید باشد؛ زیرا کشف قسمتهایی از حقایق، راه را برای محققان بعدی هموار می‌کند و مانند مشعلی در تاریکی، آنها را راهنمایی می‌نماید.

هم‌چنین، استفاده از منابع معتبر و اصلی، راه‌گشای یافتن حقیقت در تاریخ و پی بردن به رخدادهای تاریخی است. در این راه، ظرافت‌هایی وجود دارد که مورخ نباید آنها را نادیده بگیرد. چنان‌که به مسئله زبان و تغییر معانی برخی از واژگان در طول زمان، نباید بی‌توجه بود. ممکن است، مورخ از یک منبع معتبر استفاده نماید، اما به دلیل عدم آگاهی از تغییر کاربرد و معنای واژه‌ای در طول زمان، برداشت او از متن تاریخی درست نباشد. این مسئله می‌تواند سبب تفسیر اشتباه یک رخداد تاریخی شود.

برای پاسخ‌گویی به بخشی از پرسش‌های چستی و پی بردن به رأی نویسنده و درک معانی مبهم متون تاریخی، مورخ باید از دانش تفسیر و تأویل متن استفاده نماید. میان محقق تاریخ و متن تاریخی فاصله زمانی وجود دارد، اما با استفاده از علم هرمنوتیک می‌توان به تفسیر و تأویل متون تاریخی پرداخت و به معانی و پیام‌های موجود در متن تاریخی پی برد. مورخ می‌تواند با استفاده از هرمنوتیک، معانی ناآشکار و مبهم متون تاریخی را به خواننده منتقل نماید.



منابع

۱. احمدی، بابک، ساختار و هرمنوتیک، تهران: گام نو، ۱۳۸۰.
۲. استفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۳. _____، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشرنی، ۱۳۸۲.
۴. التون، ج. ر.، شیوه تاریخنگاری، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۶.
۵. بلاشر، ژوزف، گزیده هرمنوتیک معاصر، ترجمه سعید جهانگیری، آبادان: نشر پرسش، ۱۳۸۰.
۶. بنیامین، والتر، عروسک و کوتوله، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: گام نو، ۱۳۸۵.
۷. جنکینز، کیت، بازاندیشی تاریخ، ترجمه ساغر صادقیان، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.
۸. جوینی، علاء الدین عطا ملک بن بهاء الدین محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمد قزوینی، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۵.
۹. دانینگ، ویلیام، «فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: حقیقت در تاریخ»، مجله بخارا، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۲۳.
۱۰. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۱. ساماران، شارل، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه، غلامرضا ذات‌علیان و اقدس یغمایی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۱۲. طهماسبی، فریدون و پگاه تلاوی، «بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات تاریخ جهانگشای جوینی»، فنون ادبی، دوره ۳، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۲.
۱۳. کار، ای.اچ.، تاریخ چپست، ترجمه حسن کام‌شاد، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹.
۱۴. مکالا، سی. بی.ین، بنیادهای علم تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸.
۱۵. ملائی توانی، علیرضا، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نشرنی، ۱۳۸۶.
۱۶. نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۱۷. نورائی، مرتضی، راهنمای نگارش در تاریخ دستنامه تحقیق برای دانشجویان، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷.
۱۸. نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخنگاری، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.
۱۹. والش، دبلیو. اچ.، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.